

جلسه محاکمه علنی متهم به قتل در مشهد برگزار شد

تلاقی خشم و غرور در کوچه مرگ!

متهم: برای اسم و رسم آدم نکشتم

دست داشتیم چه عاقبی دارد.

***ادامه دهید؟** من آدمم بیرون به پدرم زنگ زدم . ترسیده بودم چاقو را زیر پله ها کنار پمپ آب گذاشتم.

***از چه ترسیدی؟** حرف هایی که دوروبری هایم زدند که خدا کند کاریش نشودو الا پلیس می آیدو می گیردو توبه زندان می افتمی و امثال آن ها . من هم زنگ زدم به پدرم وبه همرا پدرم رفتم خودم را به پلیس معرفی کردم.

***مرحوم را از کی می شناختی؟** نوی محله دیده بودم همکلاسی یکی از دوستانم بود. اسمش پیچیده بوده به دعوا کردن وزور گیری.

***دو نفر همراه شما هم جئه شما بودند؟** نه خیر کوچک تر بودند!

***پس با توجه به این که ۳ نفر بودید در خیابان اصلی موضوع سرفت وزور گیری منتفی بوده است؟** بله منتفی بوده ولی ترسیدم وبه پدرم دروغ گفتم.

***چرا مشروب را تنها خوردی؟** بیکار بودم تنها خوردم.

***چرا ابتدا گفته بودی چاقوی او را گرفته بودم؟** می دانستم چاقویک شیء ممنوعه است و ترسیده بودم.

***می دانستی چاقو ممنوع است ولی نمی دانستی کسی را یکشی اعدام می شوی؟** بعدش نفهمیدم.

***آزمایش الکل شما منفی بود آیا واقعا مشروب خوردی آن هم تنهاهی؟** بلی

***چرا گفتی من فکر نمی کردم فوت کند؟** ترسیده بودم فقط می خواستم زود در گیری تمام شود.

***دنبال اسم و رسم نبودی مرحوم را با چاقوزدی؟** خیر ***بدون علت فحش داد؟** حالت طبیعی نداشت بی عقلی کردم چاقو داشتم یعنی نفهمیدم قرار است چه اتفاقی بیفتد.

***در مورد صد مامات دیگر که بر پیکر مرحوم وارد آمده، چه می گوید؟** من نزد مظاهر به پرایدمی خوردم وبه زمین می افند که آن جا آسیب دیده است.

***بر اساس پرونده شخصیت هوش نرمال دارید در این باره آیا نظری دارید؟** خیر نظری ندارم.

***ساعت تماس با پدرت پس از رفتن کمتر از نیم ساعت بوده است اما شما گفتی یک ساعت در پارک بودم؟** ساعت دقیق را نمی دانم و یادم نمی آید ساعت چند بود.

***از زمان جرح عمدی تا وقتی به کلانتری رفتی، چند ساعت گذشت؟** نزدیک صبح بود.

***پس چرا پاسخ ماموران را نمی دادید؟** جای دوستانم رفتم گفتند جواب نده. یک بار هم جواب دادم و ترسیدم و گوشی را خاموش کردم.

***چاقو را از کجا آوردی؟** خیلی وقت پیش گرفته بودم. گم کرده بودم فقط اتفاقی همان شب همراهم بود. غلاف داشت اندازه آن حدود ۱۸ سانتی متر می شد.

***اتهام شما یک فقره قتل عمدی مرحوم «معین ز» است، آخرین دفاع شما چیست؟** هر چه که و کیلم گفتم. گزارش اختصاصی روز نامه خراسان حاکی است: با پایان دفاعیات متهم و وکلای مدافع که دفاعیات خود را به صورت لایحه به دادگاه تقدیم کرده اند، قضات دادگاه به شور نشنندند تا رای خود را در باره پرونده ای صادر کنند که تلاقی خشم و غرور در کوچه مرگ، جنایتی هولناک را رقم زده است.

بود که به همراه دوستانم در پارک، مقداری مشروب نوشیدم در همین حال مادرم تماس گرفت که به منزل بازگردم. من هم سوار بر موتور سیکلت حرکت کردم اما نام دوستانم را به خاطر ندارم. من را اکب موتور سیکلت بودم و از قبل مرحوم را می شناختم. وقتی وارد ابوطالب ۶۲ شدم او را دیدم که حالت طبیعی نداشت. هنگامی که نگاهمان به هم افتاد، نمی دانم چرا فحش دادو گفت بایست، من گوش نکردم. ولی با موتور جلوی من پیچید. من هم توقف کردم و از موتور پیاده شدم. دور موتور عقب عقب رفتم و او همچنان فحش می داد که ناگهان چاقو را از کمرش بیرون کشید؛ من هم چاقویی داشتم که آن روز از مغازه بر داشته بودم. در میان همین ناسزاگویی هایک لحظه ترسیدم و چاقو را بالا بردم می خواستم به بازویش بزبم ولی سر شانه اش خورد و از شدت ترس، سوار موتور شدم اما او بر گشت پلاک موتور را نگاه کرد



و سپس سوار موتور شد و رفت و من برای این که به سمت او نروم خلاف جهت او حرکت کردم.

***چه زمانی با پدرت تماس گرفتی؟** بعد از این ماجرا به پارک باز گشتم خیلی ترسیده بودم تنهایی نشستم و برای یکی از دوستانم به نام حسن موضوع را تعریف کردم. کمتر از یک ساعت در پارک نشستم یادم نیست چه زمانی تماس گرفتم ولی فکر کنم قبل از رفتن به منزل با پدرم تماس گرفتم. اصلاح می کنم رفتم خانه داخل خانه بودم که یکی از دوستان مرحوم با من تماس گرفت و گفت معین فوت کرده است. من هم ترسیدم و ماجرا را به پدرم گفتم.

***آیا شما سوار شدن و راه افتادن مرحوم را دیدید؟** بلی وقتی در ابوطالب ۶۲ پیچید را دیدم اما بعد دوستش گفت با پراید بر خورد کرده و افتاده است.

***در پرونده گفتید من به خاطر ترس از اعدام به پدرم دروغ گفتم؟** بلی

***پس شما آن لحظه می دانستید اعدام مجازات قتل عمد است؟** بیرون که رفتم دوستانم به من گفتند اگر می دانستم با دست خودم این کار را نمی کردم.

***در تلویزیون صحنه اعدام را دیده بودید؟** بلی ولی نمی دانستم برای چه اعدام می شود! و یا چاقویی که در

لحظه من در منزل همسر جدیدم بودم چرا که مادر یونس از من طلاق گرفته است. اما فقط می دانم که سپرم قصد داشت به همراه یکی از دوستانش به ساندویچ فروشی برود! البته من دوست صمیمی سپرم را نمی شناسم!

گزارش روز نامه خراسان حاکی است: در حالی که بررسی های قضایی و پلیسی تا سپیده دم روز بعد به طول انجامید، کار آگاهان نیز، چندپاتوق احتمالی حضور «یونس» را به محاصره در آوردند اما او در آن مکان ها حضور نداشت تا این که بالاخره با تنگ تر شدن حلقه محاصره ،او تصمیم گرفت خود را تسلیم قانون کند. این نوجوان متهم به قتل در جلسات بازپرسی و بازسازی صحنه قتل، به صراحت ارتکاب جنایت را پذیرفت و گفت: معین هم مانند من فرزند طلاق بود؛ آن شب وقتی او را در تاریکی شب شناختم بی مقدمه به من ناسزا گفت و چاقو کشید. من هم زودتر از او کار در ابر



قفسه سینه اش زد و او را محل گریختم. بنابر این گزارش، پس از تکمیل تحقیقات در شعبه ۲۰۸ دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، کیفرخواست این پرونده جنایی صادر شد و با توجه به اهمیت و حساسیت آن در شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی مورد رسیدگی دقیق قرار گرفت.

مدتی بعد و با فراهم آمدن مقدمات محاکمه متهم، قضات دادگاه تصمیم گرفتند تا جلسات محاکمه وی به صورت علنی و با حضور کارآموزان و دانشجویان رشته های حقوق و قضایی برگزار شود. به همین خاطر چند روز قبل جلسه علنی دادگاه به ریاست قاضی هادی دنیاپدیده و مستشاری قاضی مهدی عرب در دادگستری خراسان رضوی آغاز شد.

در این جلسه محاکمه که وکلای مدافع، اولیای دم و بسیاری از کارشناسان امور قضایی نیز حضور داشتند، پس از اظهار رئیس دادگاه مبنی بر رعایت نظم دادگاه و درخواست صدور حکم قصاص نفس از سوی اولیای دم، متهم پرونده در جایگاه قرار گرفت و پس از معرفی کامل خود، این گونه به سوالات تخصصی قضات با تخر به شعبه ششم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پاسخ داد.

***ماجرای قتل چگونه رخ داد؟** آن شب حدود ساعت ۱۹

سید خلیل سجادپور - محاکمه علنی متهم یک پرونده جنایی در حالی با استقبال گسترده دانشجویان رشته های حقوق و قضا در مشهد برگزار شد که تلاقی خشم و غرور دو فرزند طلاق جنایتی هولناک را در کوچه مرگ رقم زده بود.

به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، نقاب سیاه شب آسمان یازدهم مهر ۴۰ را به آغوش کشیده بود که نوجوان ۱۷ ساله ای سوار بر موتور سیکلت وارد کوچه ای در بولوار ابوطالب شد. او با غروری سرکش، چشم به آن سوی کوچه دوخت و نور چراغ موتور سیکلت را روی جوان موتور سوار دیگری انداخت که او را به خوبی می شناخت. در یک لحظه خشم و غرور به تلاقی نشست و کوچه مرگ رنگ وحشت به خود گرفت. «یونس» موتور سوار ۱۷ ساله که چندروز قبل «معین» را هنگام مشاخره لفظی با یکی از دوستانش دیده بود، حالا کینه ای سرکش از وجودش زبانه می کشید. او ناگاهی به انتهای نور کله چراغ موتور سیکلتش انداخت و ناگهان گاز آن را فشرده و در کنار موتور سیکلت جوان ۲۱ ساله قرار گرفت. رنگ چهره از خشمی غرور آلود خبر می داد که دو موتور سوار پیاده شدند و در حالی مقابل یکدیگر ایستادند که در یک لحظه تیغه سر دمه در تاریکی شب درخشید و بر قفسه سینه جوان ۲۱ ساله فرو داد.

وقتی «یونس» تیغه کار دراز را پیکر «معین» بیرون کشید، خون از درون لباس هایش بیرون زد و او هم از دیدن این صحنه هولناک در کوچه مرگ ترسیده بود، سوار بر موتور سیکلت در خلاف جهت حرکت خودروها وارد بولوار ابوطالب شد و از محل گریخت. از سوی دیگر موتور سوار ۲۱ ساله که به خاطر خونریزی شدید، هر لحظه بیشتر رمق خود را از دست می داد به سختی سوار بر موتور سیکلت شد و تلاش کرد تا کنترل آن را به دست گیرد ولی هر لحظه ای که می گذشت رنگ از چهره اش بیشتر می پرید و توان خود را از دست می داد تا این که در مسافتی کوتاه به کنار خودروی پرایدی افتاد که در حاشیه خیابان پارک بود.

دقایقی بعد اهالی محل و رهگذران با دیدن پیکر خون آلود جوان مذکور، بلافاصله با نیروهای امدادی و پلیس تماس گرفتند و بدین ترتیب جوان ۲۱ ساله در حالی روی تخت اورژانس بیمارستان شهید هاشمی نژاد مشهد قرار گرفت که دیگر کاری از دست کادر درمان ساخته نبود و او بر اثر عوارض ناشی از اصابت تیغه کارد جان خود را از دست داد. طولی نکشید که با گزارش این ماجرای تکان دهنده به قاضی ویژه قتل مشهد، بررسی های قضایی آغاز شد و گروهی تخصصی از کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی به سرپرستی سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) با دستورات محرمانه و راهنمایی های قاضی دکتر صادق صفری موفق شدند سر نخ هایی از عامل این جنایت وحشتناک به دست آورند.

در همین حال با حضور پدر «معین» در مرکز درمانی، سخن از نوجوان ۱۷ ساله ای به نام «یونس» به میان آمد که مرد سپید مو مدعی بود دوستان فرزندش به او گفته اند نوجوانی به نام «یونس»، «معین» را به قتل رسانده است. هنوز تحقیقات مقام قضایی ادامه داشت که پدر «یونس» هم خود را به مرکز درمانی رساند و در حالی که هنوز از رفتار مریبار فرزندش در شوک بود، به قاضی مفری گفت: سپرم تلفاتی با من تماس گرفت و گفت: «دنبال من نروید! کسی را با چاقو زدم که قصد زورگیری از مرا داشت!» این مرد میان سال ادامه داد: آن

آب جسد راننده پراید را پس داد

کانال ها، و فورا اشیاء گل ولای موجود در کف کانال ها و آشنایان بودن افراد به شنا، کمتر فردی با افتادن به داخل کانال های آب زنده می ماند. سخنگوی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری اصفهان بیان کرد: با توجه به افزایش حوادث سقوط افراد یا خودروها به داخل کانال های آب، سازمان آتش نشانی شهرداری گزارشی درباره لزوم «حصار کشی» کانال ها به خصوص در حاشیه شهر به سازمان مدیریت بحران استانداری، آب منطقه ای و سایر دستگاه های ذی ربط ارسال کرده است. وی خاطر نشان کرد: کانال ها به خصوص در حاشیه شهر بسیار حادثه خیزند و برخی رانندگان به عنوان راه فرعی و محلی از معابر کنار آن ها استفاده می کنند که به دلیل پستی و بلندی و آسفالت نبودن آن ها، خطر سقوط وسیله نقلیه به داخل کانال دور از انتظار نیست. شریعتی اضافه کرد: مقارن ساعت ۲۰ شب گذشته نیز خبر غرق شدن یک



قتل جوان روستایی در سایه اختلالات شخصی

توکلی - عاملان نزاع و درگیری منجر به قتل جوان روستایی در کمتر از ۲۴ ساعت دستگیر شدند. به گزارش خراسان، سرپرست انتظامی کهنوج در تشریح این حادثه هولناک بیان کرد: پس از اعلام حادثه کلانتری ۱۱ و پلیس آگاهی به محل عزیمت کردند که در بررسی های اولیه نیروهای پلیس مشخص شد طی نزاعی که بین چند جوان در یکی از مناطق روستایی به علت درگیری های شخصی شکل گرفته، یکی

از آنان با ضربات مریبار چاقو مجروح شده و در بیمارستان به علت شدت جراحات وارده، درده، جان باخته است. سرهنگ حیدر احمدیوسفی با اشاره به انجام تحقیقات پلیسی برای شناسایی و دستگیری قاتل و عاملان این نزاع، افزود: در این زمینه با تلاش نیروهای پلیس آگاهی چهار نفر از افراد مشارکت کننده در این نزاع منجر به قتل شناسایی و طی چند عملیات جداگانه در شهر کهنوج دستگیر و به پلیس آگاهی منتقل شدند.

در امتداد تاریکی

التماس های اشک بار!

وقتی شوهر معتاد به کارتن خوابی رسید که دیگر نتوانستم این شرایط را تحمل کنم، از او طلاق گرفتم اما آزارهای برادرشوهرم برای گرفتن سرپرستی فرزندانم آغاز شد تا حدی که با گریه و التماس از او می خواستم فرزندانم را از من جدا کنند، این بود که به ناچار با برادر شوهرم ازدواج کردم اما ...

به گزارش اختصاصی روز نامه خراسان، زن ۳۸ ساله با بیان این که فقط ۴ ماه از ازدواج دومم می گذرد اما آن قدر سختی کشیده ام که این روزها برابرم ۴۰ سال گذشته است، به مشاور و مددکار اجتماعی کلانتری طبرسی شمالی مشهد گفت: ۱۷ سال بیشتر نداشتیم که با پسریکی از دوستان خانواده گی پدرم ازدواج کردم. آن زمان پدرم تراشکاری داشت و افراد زیادی به منزل ما رفت و آمد می کردند به همین خاطر هم پدرم به همه دوستانش اعتماد می کرد. خلاصه زندگی مشترک من و «پویا» در حالی آغاز شد که خیلی زود فهمیدم او به مواد مخدر اعتیاد دارد و سر کار هم نمی رود. در اوایل زندگی پدر «پویا» مخارج ما را می پرداخت اما چند ماه بعد او هم کمک های مالی اش را قطع کرد. در این شرایط همسرم دوستان معتادش را به منزل دعوت می کردند تا این گونه از مواد مخدر آن ها استفاده کند ولی مقدار مصرف او به حدی بود که حتی پولی برای خرید مایحتاج روزانه هم نداشتیم. به همین خاطر من سرکار می رفتم ولی او همه درآمد مرا صرف خرید مواد مخدر می کرد و اگر پولی به او نمی دادم به شدت کتکم می زد! کار به جایی رسید که او برای تامین هزینه های اعتیادش لوازم منزل را می فروخت و مرا نیز به خاطر باردار نداشتن سرزنش می کرد. آن قدر تحقیر شدم تا این که خانواده اش از طریق اهدای اسپرم، مرا وادار کردند تا باردار شوم. بالاخره در یکی از همین روزها دو قلو باردار شدم. آن تصور می کردند در صورتی که من فرزندی به دنیا بیاورم، «پویا» هم اعتیادش را ترک می کند و پای بند زندگی اش می شود اما بعد از تولد فرزندانم او نه تنها مواد مخدر را ترک نکرد بلکه به کارتن خوابی تبدیل شد که وضعیت اسفباری داشت. در این شرایط به ناچار از او طلاق گرفتم تا فرزندانم روزهای تلخ را تجربه نکنند ولی برادر شوهرم اجازه نمی داد فرزندانم را با خودم بیرون ببرم! خانواده اش هم از ترس این که نوه هایشان زیر دست ناپدری بزرگ نشوند مرا در خانه حبس می کردند و آرام می دادند تا حدی که «پیمان» (برادر شوهرم) دو قلوها را با خودش می برد و چند روز مرا

از دیدار آن ها منع می کرد؛ به گونه ای که به گریه و التماس می افتادم ولی بالاخره او با شرط و شروطی فرزندانم را به خانه باز می گرداند. در این وضعیت تاسف بار، خانواده «پویا» مرا مجبور کردند تا با «پیمان» ازدواج کنم. من هم برای فرار از آزار واذیت های آنان، چاره ای جز ازدواج پیدا نکردم و بدین ترتیب به عقد «پیمان» درآمدم ولی این آزار و اذیت ها پایانی نداشت. اوتصاویر زشت و زننده ای از زنان غریبه ای را که با آنان رابطه داشت به من نشان می داد و وادارم می کرد تا مانند آن رفتار کنم و یا مانند آن لباس بپوشم! به همین خاطر به انواع بیماری های مختلف مبتلا شدم ولی با هم پیمان همچنان به رفتارهای زشت خود ادامه می دهد. اکنون که فقط ۴ ماه از ازدواجم با او گذشته است گویی ۴۰ سال رنج و سختی را تحمل کرده ام؛ اما ای کاش ...

گزارش اختصاصی روز نامه خراسان حاکی است: با توجه به اهمیت این ماجرا، بررسی های قانونی و اقدامات مشاوره ای با دستورات ویژه سرگردانکه (رئیس کلانتری طبرسی شمالی مشهد) در دایره مددکاری اجتماعی کلانتری ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۲۴
چاپ اول

آگهی مزایده اجاره شماره ۰۰۰۰۰۰۹۴۹۵۶۰۰۰۰۰

سازمان همیاری شهرداریهای استان خراسان جنوبی در نظر دارد نسبت به اجاره زمین و تأسیسات ترانشیپ منت سازمان به مساحت ۴ هکتار واقع در قلمه منطفه منطقه ویژه اقتصادی بیرجند در سایت مرزی ماهیپور از طریق مزایده در سامانه ستاد ایران به نشانی setadiran.ir اقدام نماید.

زمان انتشار در سایت: از ساعت ۸ صبح روز ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ **مهلت دریافت اسناد:** ساعت ۱۴:۳۰ مورخه ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

تاریخ بازدید: از ساعت ۸ صبح مورخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۴ لغایت ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۰۱

آخرین مهلت ارسال پیشنهادات: ساعت ۱۴:۳۰ روز ۱۴۳۰/۰۳/۱۳

زمان بازگشایی: ساعت ۱۰ صبح روز چهار شنبه مورخه ۱۴۰۳/۰۳/۱۶ در محل سازمان همیاری شهرداریهای استان خراسان جنوبی

زمان اعلام به برنده: ساعت ۱۰ صبح روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

مبلغ تضمین شرکت در مزایده: مبلغ تضمین شرکت در مزایده اجاره بصورت فیش واریزی نقدی به حساب شماره ۰۱۰۲۸۰۲۴۵۸۰۰۵ بانک صادرات شعبه دانشگاه بنام سازمان همیاری شهرداریهای استان خراسان جنوبی

ردیف	شرح خدمات	۵٪ پایه شرکت در مزایده به ریال	توضیحات
۱	اجاره زمین و تأسیسات ترانشیپ منت سازمان به مساحت ۴ هکتار واقع در قلمه منطفه منطقه ویژه اقتصادی بیرجند در سایت مرزی ماهیپور	۷,۲۶۰,۰۰۰,۰۰۰	

ملاحظات:

۱- کلیه هزینه های مربوط به دریافت مجوز فعالیت، HSE، ایجاد زیرساخت اضافه و ... بر عهده مستاجر می باشد.

۲- سازمان در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

موزه موزه

www.mozayedemonaghese.com

واحد پشتیبانی و سایت ۰۲۱-۴۹۱۰۵۴۲۵

زودتر با خبر شوید ...